

شاخص فضای کسب و کار و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران

دکتر عباس عرب‌مازار*
مریم احمدیان**

چکیده

سرمایه‌گذاری نقش مؤثری بر رشد و توسعه اقتصادی کشور دارد و مطالعه و شناخت عوامل تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری خصوصی می‌تواند به سیاست‌گذاری دقیق‌تر به منظور رشد و مشارکت هر چه بیشتر این بخش منجر شود. بر مبنای نظریات اقتصاد نهاد‌گرای جدید، محیط نهادی و ساختاری، بر عملکرد اقتصادی کشورها از جمله میزان سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد. عدم محاسبه شاخصی بومی از فضای کسب و کار ایران به صورت سری زمانی مانعی از ورود این متغیر نهادی در مطالعات تجربی است. لذا با هدف یافتن شاخصی مناسب از فضای کسب و کار ایران به ارزیابی شاخص‌های جهانی فضای کسب و کار پرداخته می‌شود. با توجه به کاستی‌ها و عدم تناسب شاخص‌های جهانی با مطالعات داخلی تلاش می‌شود تا شاخصی بومی از فضای کسب و کار ایران تدوین شود. این شاخص با تکیه بر متغیرهای مهم اقتصادی تدوین شده و برآورد تابع سرمایه‌گذاری خصوصی با در نظر گرفتن این شاخص حاکی از آن است که بهبود فضای کسب و کار به افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران منجر می‌شود.

طبقه‌بندی JEL: E22, E44, G11

کلید واژه‌ها: فضای کسب و کار، اقتصاد نهاد‌گرای جدید، شاخص اندازه‌گیری فضای کسب و کار، سرمایه‌گذاری خصوصی

۱. مقدمه

دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی از مهم‌ترین اهداف هر کشور از جمله ایران به شمار می‌آید و سرمایه‌گذاری نقش بسیار مؤثری در این خصوص ایفا می‌کند. آنچه به‌ویژه پس از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته، لزوم تلاش برای فراهم کردن زمینه مشارکت و رشد هر چه بیشتر فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی، رفع موانع و مشکلات این بخش و عملکرد دولت به‌عنوان مکمل بخش خصوصی در اقتصاد است. لذا مطالعه عوامل تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری خصوصی بسیار مهم خواهد بود. مطالعات تجربی متعددی در ارتباط با شناخت عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری و رشد و چگونگی تأثیرگذاری آنها در کشور صورت گرفته، اما به محیط نهادی و ساختاری اقتصاد ایران در کارهای تجربی کمتر توجه شده است.

امروزه بهبود فضای کسب و کار^۱ یکی از راهبردهای رشد و توسعه بخش خصوصی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به‌شمار می‌آید و مجموعه‌ای از عوامل نهادی به‌صورت منسجم در قالب محیط کسب و کار مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرند. فضای کسب و کار بر اساس تعریف بانک جهانی (۲۰۰۵) بسیاری از عوامل وابسته به مکان را منعکس می‌کند که فرصت‌ها و انگیزه‌های بنگاه‌ها را برای سرمایه‌گذاری به همراه بهره‌وری، ایجاد اشتغال و گسترش بنگاه‌ها شکل می‌دهند و ابعاد متنوعی چون ثبات سیاسی و اقتصادی، قوانین و مقررات کسب و کار، اندازه و کارایی دولت، مالیات، بازارهای مالی و دسترسی به اعتبار، عرضه و کیفیت زیرساخت‌های اقتصادی، فرصت‌های بازار و... را شامل می‌شود.

در سال‌های اخیر مسئله بهبود فضای کسب و کار در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کشور لحاظ شده و پیش از آن نیز همواره بحث‌هایی در مورد مسائل و مشکلات ساختاری و نهادی در اقتصاد ایران مطرح بوده است. لازمه ورود متغیرهای نهادی چون فضای کسب و کار در مطالعات تجربی وجود شاخص‌های اندازه‌گیری مناسب از آنهاست. هدف مطالعه حاضر تلاش برای یافتن شاخص مناسب از فضای کسب و کار

1. business environment or business climate

ایران و بررسی تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری خصوصی است و فرضیه تحقیق بدین صورت مطرح می‌شود که بهبود شاخص فضای کسب و کار موجب افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران می‌شود. در خصوص اندازه‌گیری فضای کسب و کار شاخص‌های جهانی وجود دارند که امکان مقایسه کشورهای را فراهم می‌آورند. در صورت عدم انطباق تصویر ارائه شده توسط این شاخص‌ها از شرایط فضای کسب و کار در داخل کشور، نیاز به تدوین شاخص بومی یا تعدیل شاخص‌های خارجی با توجه به شرایط ساختاری و نهادی کشور است.

۲. اقتصاد نهاد‌گرای جدید و فضای کسب و کار

اقتصاد نهاد‌گرای جدید قلمروی گسترده و حوزه‌ای میان رشته‌ای و نسبتاً جدید است که شامل ابعادی از اقتصاد، تاریخ، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، تشکیلات کسب و کار و قانون است. بر اساس این دیدگاه نهادهای اقتصادی، حقوقی، سیاسی و اجتماعی عملکرد اقتصادی را تعیین می‌کنند (خیرالله و جان کیرستن، ۱۳۸۷) و دولت در شکل‌دهی محیط نهادی کسب و کار نقش حیاتی دارد (ریشتر، ۱۳۸۷، ص ۵۹). اقتصاد نئوکلاسیک نقش نهادها را نادیده می‌گیرد و چنین به نظر می‌رسد که کارگزاران اقتصادی تقریباً در خلأ فعالیت می‌کنند، اما نهاد‌گرایان جدید، به دلیل وجود هزینه مبادله، ناطمینانی، عقلانیت محدود و نظایر آن تمایل به پذیرفتن فروض اقتصاد نئوکلاسیک به شکل سست‌تر دارند (خیرالله و جان کیرستن، ۱۳۸۷، ص ۳۰۵، ۳۰۴). اقتصاددانان نهاد‌گرای جدید، نهادها را به عنوان یک قید و محدودیت مهم به نگرش نئوکلاسیک اضافه کرده‌اند (متوسلی، ۱۳۸۴، ص ۳۹۰) و تأثیر متغیرهای نهادی را در مطالعات تجربی سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی، کارایی و بهره‌وری بنگاه‌ها بررسی می‌کنند. فراهم بودن و بهره‌وری منابع هر دو از محیط نهادی و سیاستی متأثر می‌شوند. متغیرهای نهادی از طریق افزایش در مقدار سرمایه‌گذاری به‌طور مستقیم و از طریق افزایش کارایی سرمایه‌گذاری به‌طور غیر مستقیم بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارند (Gwarthey et al., 2004, p.208)، لذا نقش و عملکرد نهادها از کانال تقویت یا تضعیف محیط کسب و کار در سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها بسیار بااهمیت است و

بنابراین در کنار سایر عوامل مطرح شده در نظریات سنتی اقتصاد، تأثیر محیط کسب و کار بر سرمایه گذاری بررسی و مطالعه می شود.

۳. شاخص های جهانی فضای کسب و کار

یکی از چالش های مهم در ارتباط با بررسی و مطالعه فضای کسب و کار، یافتن روش مناسب جهت اندازه گیری کیفیت نهادهایی است که فضای مناسبی را برای سرمایه گذاری و رشد اقتصادی فراهم می کنند. امروزه شاخص ها و درجه بندی های متعددی از ابعاد مختلف فضای کسب و کار، در سطح بین المللی محاسبه و استخراج می شود. سازمان های مختلف به صورت دوره ای و با تأکید بر سرمایه گذاران اوراق بهادار، اعتبار دهندگان جهانی و مدیران اجرایی شرکت های چند ملیتی، شاخص هایی را محاسبه می کنند تا ملاک های مفیدی برای محک زدن شرایط کلی اقتصادی و سیاسی کشورها به دست آید. در این قسمت به معرفی شاخص هایی می پردازیم که نسبت به سایرین از شهرت و اهمیت بیشتری در سطح جهان برخوردارند و ایران نیز در فهرست رتبه بندی آنان به چشم می خورد.

گروه "راهنمای بین المللی ریسک کشورها"^۱ بخشی از شرکت خصوصی "خدمات ریسک سیاسی"^۲ است که با هدف برآورده کردن نیاز به تحلیلی عمیق و جامع از ریسک های بالقوه در زمینه کسب و کار بین المللی مجموعه ای از شاخص های ریسک را تحت عنوان شاخص ICRG محاسبه و منتشر می کند. "واحد اطلاعات اقتصادی"^۳ نیز مؤسسه تحقیقاتی بین المللی است که برای بیش از ۲۰۰ کشور جهان به انجام تحلیل ها و پیش بینی های سیاسی و اقتصادی اقدام و چگونگی محیط کسب و کار کشورها را در نشریات متنوعی بررسی می کند. "مؤسسه فریزر"^۴ و "بنیاد هریتیج"^۵ شاخص های مبتنی بر آزادی اقتصادی را در حوزه های مختلف کسب و کار محاسبه و منتشر می کنند. آزادی اقتصادی مفهومی بر آمده از دیدگاه طرفداران اقتصاد بازار (مکتب شیکاگو یا نئولیبرال ها)

1. International Country Risk Guide(ICRG)
3. The Economist Intelligence Unit(EIU)
5. The Heritage Foundation

2. Political Risk Service(PRS)
4. Fraser Institute

است که در ابتدای دهه ۹۰ به "اجماع واشنگتنی" معروف شده است. این دیدگاه خواهان خصوصی‌سازی، کاهش سهم دولت در تولید ناخالص داخلی و محدود کردن نقش دولت در اقتصاد است. بانک جهانی با انتشار شاخص سهولت کسب و کار، کشورها را تشویق به مقررات‌زدایی و حذف موانع اداری در حوزه‌های مختلف کسب و کار می‌کند. در جدول ۱ اطلاعات مربوط به شاخص‌ها، مؤسسه تدوین‌کننده آنها و رتبه ایران به صورت مقایسه‌ای آمده است. امتیاز شاخص‌ها از محاسبه ترکیبی از عوامل عینی و ذهنی به دست می‌آیند. مقادیر عوامل عینی با استفاده از داده‌های کمی کشورها و امتیاز عوامل ذهنی با تکیه بر نظرات کارشناسان مؤسسات یا با استفاده از داده‌های پیمایشی که از طریق پرسش از فعالان اقتصادی در داخل هر کشور حاصل می‌شود به دست می‌آید. امتیازات در مقیاس معینی به طور مثال صفر تا ۱۰۰ محاسبه می‌شوند و در مورد همه شاخص‌ها امتیاز بالاتر به معنی فضای کسب و کار مطلوب‌تر است.

۴. ارزیابی شاخص‌های جهانی فضای کسب و کار

شاخص‌های بین‌کشوری فضای کسب و کار هر کدام با انتخاب مجموعه خاصی از معیارهای سنجش، کشورهای مختلف جهان را مقایسه و رتبه‌بندی می‌کنند. اما باید به این نکته توجه داشت که تفاوت و تنوع بسیار زیاد در نهادهایی که فضای کسب و کار را شکل می‌دهند، اساساً مقایسه کشورها را با استفاده از مقیاسی یکسان با مشکل مواجه می‌کند (رودریک، ۱۳۸۴، ص ۷۱-۷۰). دلار و همکاران (۲۰۰۳) تفاوت‌ها در درون هر کشور را نیز متذکر می‌شوند: «این شاخص‌ها به منظور نشان دادن وضعیت فضای کسب و کار در سطح ملی طراحی شده‌اند و استفاده از آنها به معنی یکسان فرض کردن فضای کسب و کار در درون یک کشور است. در حالی که در واقعیت ممکن است تفاوت‌های زیادی بین فضای کسب و کار مناطق و صنایع مختلف یک کشور وجود داشته باشد.» (Dollar et al., 2003, p.3).

جدول ۱. شاخص‌های مهم فضای کسب و کار و اجزا و عناصر در نظر گرفته شده در آنها

شاخص	راه‌نمای بین‌المللی ریسک کشورها (ICRG)	ریسک فضای کسب و کار	آزادی اقتصادی جهان (EFW)	آزادی اقتصادی (EFI)	سهولت کسب و کار (EDB)
معیار مقایسه	نام سازمان فراهم‌کننده شاخص	واحد اطلاعات اقتصادی	موسسه فریزر	بنیاد هریتیج	بانک جهانی
سال تاسیس و مقر سازمان	۱۹۸۰، نیویورک	۱۹۴۹، لندن	۱۹۸۶، ونکوور کانادا	۱۹۹۵، واشنگتن	۱۹۴۴، نیویورک
نوع سازمان	تجاری	تجاری	غیر تجاری	غیر تجاری	غیر تجاری
سال شروع محاسبه شاخص	۱۹۸۴	۱۹۹۶	۱۹۷۵*	۱۹۹۵	۲۰۰۴
دوره محاسبه شاخص	ماهانه	فصلی	سالانه	سالانه	سالانه
شاخص‌های فرعی	ریسک سیاسی، ریسک اقتصادی، ریسک مالی	محیط سیاسی، محیط کلان اقتصادی، فرصت‌های بازار، سیاست‌های توسعه بازار و رقابت بخش خصوصی، سیاست سرمایه‌گذاری خارجی، کنترل تجارت خارجی و ارز، مالیات، تأمین اعتبار، بازار کار و زیرساخت‌ها.	اندازه دولت، ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت، دسترسی به پول سالم، آزادی تجارت بین‌المللی و مقررات کسب و کار، اعتبار و نیروی کار	آزادی کسب و کار، آزادی تجاری، آزادی مالی، پولی، آزادی مالیاتی، آزادی از مداخله دولت، آزادی سرمایه‌گذاری، حقوق مالکیت، آزادی از فساد، آزادی نیروی کار	شروع کسب و کار، اخذ مجوزها، استخدام و اخراج نیروی کار، ثبت مالکیت، اخذ اعتبار، حمایت از سرمایه‌گذاران، پرداخت مالیات، سهولت مبادله با خارجیان، انحلال یک فعالیت، اجرای قراردادهای
تعداد عناصر شاخص	۲۲	۹۱	۴۲	۴۱	۵۱
نحوه وزن دهی	استفاده از نظر کارشناسی	میانگین ساده	میانگین ساده یا به روش مؤلفه‌های اصلی	میانگین ساده	میانگین ساده
نسبت تعداد عناصر ذهنی به عینی	٪۶۰	٪۶۲	٪۶۴	٪۸۰	٪۱۰۰
تعداد کشورها (سال ۲۰۰۹)	۱۴۰	۸۲	۱۴۱	۱۸۳	۱۸۱
رتبه ایران (سال ۲۰۰۹)	۹۲	۸۲	۱۱۲	۱۶۸	۱۴۲

*امتیاز شاخص با استفاده از داده‌های در دسترس سال‌های قبل از تأسیس مؤسسه محاسبه شده است.

نوع سازمان فراهم‌کننده و نیز هدف و کاربرد قصد شده می‌توانند به طور کامل ترکیب و تناسب شاخص را تغییر دهند (Hansoon, 2006, p.7). اکثر شاخص‌های بین‌کشوری با هدف ارائه راهنمایی و مشاوره به سرمایه‌گذاران خارجی برای پرهیز از

سرمایه‌گذاری در کشورهای با ریسک بالا و بررسی موانع فعالیت‌های اقتصادی برای خارجیان تدوین شده‌اند و حتی در بخشی به‌طور ویژه، به قوانین و سیاست‌ها در ارتباط با ورود سرمایه و ریسک برگشت اصل و فرع آن، چگونگی تأمین اعتبار خارجیان و نظایر آن می‌پردازند. این در حالی است که مشکلاتی که بنگاه‌های داخلی یک کشور با آن مواجه‌اند دقیقاً از نوع مشکلات سرمایه‌گذار خارجی نیست یا ممکن است دارای ضرایب اهمیت متفاوت باشد (Williams & Siddique, 2008, p.137). باترا و همکارانش (۲۰۰۳) در تحقیقات خود نشان می‌دهند که امتیازات و رتبه‌بندی‌های شاخص‌های جهانی در کشورهای توسعه یافته با یکدیگر سازگار است در حالی که در کشورهای در حال توسعه چنین نیست (بانک جهانی، ۱۳۸۷، ص ۶۹). از نظر هانسون (۲۰۰۶) توجه به نوع سازمان فراهم‌کننده شاخص، می‌تواند ما را در تعیین کاربرد و هدف تدوین شاخص راهنمایی کند. وی مؤسسات را به دو گروه اصلی تقسیم می‌کند: تجاری و غیرتجاری. شرکت‌های تجاری معمولاً شاخص‌ها را برای سرمایه‌گذاران خارجی ایجاد می‌کنند و اطلاعات و رتبه‌بندی‌های مورد نیاز تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری را به افراد و شرکت‌ها می‌فروشند، اما غیرتجاری‌ها نوعاً یک سازمان عمومی متشکل از یک گروه از پژوهشگران هستند که امتیازات و رتبه‌بندی‌های کشورهای را در دسترس همگان قرار می‌دهند. از این رو تعیین هدف آنها دشوار است و غیر معمول نیست که شاخص‌ها را به دلایل سیاسی یا ایدئولوژیکی ساخته باشند (Hanson, 2006, p.7). بنیاد هریتیج و مؤسسه فریزر نمونه‌هایی از این مؤسسات هستند که شاخص‌های تدوین شده توسط آنها به‌طور آشکاری مبتنی بر دیدگاه نئولیبرالی است. رودریک (۲۰۰۰) عملکرد نهادهای مالی بین‌المللی چون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را به دلیل تکیه بر چنین دیدگاهی مورد انتقاد قرار می‌دهد (رودریک، ۱۳۸۴، ص ۹۳-۹۲).

شاخص‌های فضای کسب و کار مجموعه‌ای از عوامل ذهنی یا عینی و در اکثر موارد ترکیبی از هر دو نوع هستند. امتیاز عامل ذهنی با استفاده از نظرات گروهی از افراد تعیین می‌شود، بنابراین امتیازات مبتنی بر قضاوت‌های شخصی افرادی با انتظارات، احساسات و عقاید گوناگون است. عوامل عینی این مزیت را دارند که متکی بر منابع داده‌های کمی

کشورها هستند و از قضاوت‌های شخصی بدورند، لذا مورد اعتماد بیشتری هستند. با این حال، عوامل کمی دربرگیرنده از سوی گروهی از افراد انتخاب می‌شوند. بنابراین آنها نیز تا اندازه‌ای ذهنی هستند (Hansoon, 2006, p.6). مشکل دیگر در ارتباط با عوامل ذهنی این است که آنها اغلب ترتیبی هستند و نه به صورت نسبت. عامل ترتیبی کشورها را در مورد معیارهای کیفی بدون مشخص کردن درجه تفاوت بین کشورها رتبه‌بندی می‌کند، اما به عنوان مثال ممکن است تفاوت بسیار بیشتری در کیفیت سیستم قضایی ایالات متحده و آفریقای جنوبی نسبت به تفاوت آفریقای جنوبی و زئیر باشد (Aron, 2000, p.115). بانک جهانی در گزارش سال ۲۰۰۴ خود کاستی‌هایی را در ارتباط با مطالعات پیمایشی برمی‌شمرد و نشان می‌دهد که پرسش‌های پیمایشی از برداشت‌های شخصی، همواره به پاسخ‌های معنادار نمی‌انجامد. دلایل متعددی در این مسئله نقش دارند. از جمله می‌توان به عدم بی طرفی در طراحی تحقیق، مقیاس پاسخ‌ها، عدم تمایل پاسخ‌دهندگان به پذیرش کمبود دانش یا نگرش ناقص خود نسبت به موضوع و انتخاب نامناسب نمونه‌ها اشاره کرد. یکی از انتقاداتی که به روش ساخت شاخص‌های ترکیبی فضای کسب و کار وارد می‌شود انتخاب روش تجمیع به طور دلخواه و عموماً بدون ارائه استدلالی علمی است، اما حداقل فروضی که برای وزن دهی به کار گرفته می‌شود باید آزمون شوند (Aron, 2000). این در حالی است که روش‌های متفاوت تجمیع می‌توانند به نتایج بسیار متفاوت در رتبه‌بندی و مقدار شاخص کل منجر شود. روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی در چند گزارش مؤسسه فریزر به عنوان روش تجمیع به کار رفته است، در حالی که اثر عناصر شاخص آزادی اقتصادی فریزر بر رشد اقتصادی مثبت در نظر گرفته می‌شود، روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی علامت منفی را برای برخی از این عناصر لحاظ می‌کند. هکلمن و استراپ (۲۰۰۵) در تحلیلی مقایسه‌ای نشان داده‌اند به کارگیری روش‌های متفاوت تجمیع توسط مؤسسه فریزر موجب تفاوت زیادی در رتبه‌بندی و امتیازات کشورها شده است. به‌طور مثال با مقایسه روش‌های مختلف برای داده‌های سال ۱۹۹۰، ایالات متحده به روش میانگین ساده، رتبه یک و به روش اولین مؤلفه اصلی، رتبه سی و هشت را کسب می‌کند. این در حالی است که هند با اعمال روش تجمیع اولین مؤلفه اصلی دارای بهترین محیط کسب و کار در دنیا و بر اساس

میانگین ساده دارای رتبهٔ چهل و ششم است (Heckelman & Stroup, 2005, p.957). برخی از شاخص‌های جهانی محاسبه شده برای کسب و کار حد بالا و پایین عوامل کمی را با توجه به بیشترین و کمترین مقدار مشاهده شده هر عامل در کشورهای نمونه مورد بررسی تعیین کرده و امتیاز سایر کشورها را در مقایسه با این حدود مشخص می‌کنند. استفاده از این روش امکان مقایسهٔ کشورها در یک مقطع را فراهم می‌کند، اما تکرار شاخص برای سال‌های بعد، با توجه به اضافه شدن کشورهای مورد بررسی (به طور معمول) و تغییر استاندارد کشورها طی زمان، امکان مشاهدهٔ روند بهبود در کشور طی زمان را دشوار می‌کند و فقط وضعیت نسبی آن نسبت به سایر کشورها را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر ممکن است که شاخص در یک کشور بهبود چشمگیری یافته باشد، ولی در مقایسه با سایر کشورها وضعیت نامناسب تری نسبت به گذشته را القا کند.

۵. مروری بر مطالعات انجام شده

۱.۵. مطالعات خارجی بین کشوری

یکی از مطالعات مشهور و تأثیرگذار در این حوزه مطالعهٔ نک و کیفر در سال ۱۹۹۵ است که به بررسی رابطهٔ سرمایه‌گذاری و رشد با شاخص ریسک ICRG با در ۹۷ کشور جهان در دورهٔ ۱۹۸۹-۱۹۷۴ پرداخته‌اند (Knack & Keefer, 1995).

نتیجهٔ مطالعه نشان می‌دهد که این شاخص در مدل‌های سرمایه‌گذاری و رشد معنی دار است. گارتنی و دیگران (۲۰۰۴) با استفاده از داده‌های مقطعی ۹۹ کشور جهان اثر شاخص آزادی اقتصادی مؤسسهٔ فریزر را بر سرمایه‌گذاری، رشد و درآمد سرانه به روش حداقل مربعات بررسی کرده‌اند. مقادیر متغیرهای مستقل و وابسته به صورت میانگین برای سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ به کار رفته است. سایر متغیرهای مستقل در مدل سرمایه‌گذاری، شامل GDP سرانه و متغیرهای مجازی برای شرایط جغرافیایی و در مدل رشد، سرمایهٔ انسانی، سرمایهٔ فیزیکی و نیز متغیرهای مجازی برای شرایط جغرافیایی هستند. نتیجهٔ این مطالعه نشان می‌دهد که کشورهایی که نهادها و سیاست‌های آنها سازگار با آزادی اقتصادی است، درآمد سرانه و نرخ رشد بالاتری دارند. برآوردها نشان می‌دهد که یک

واحد افزایش در نرخ رشد بلندمدت شاخص EFW موجب افزایش ۲/۶ درصد در نسبت سرمایه گذاری به GDP و رشد ۱/۲۴ درصدی موجودی سرمایه به ازای هر واحد نیروی کار می شود.

جانکوف و همکاران وی پس از تدوین شاخص سهولت کسب و کار، در سال ۲۰۰۶ در مقاله‌ای با عنوان «مقررات و رشد» به بررسی رابطه این شاخص با رشد اقتصادی در ۱۳۵ کشور دنیا با استفاده از داده‌های مقطعی پرداخته‌اند. برای ساختن شاخص مقررات از ۷ شاخص فرعی سهولت کسب و کار (شروع کسب و کار، استخدام و اخراج نیروی کار، حقوق مالکیت، اخذ اعتبار، حمایت از سرمایه گذاران، اجرای قراردادهای بستن کسب و کار) استفاده شده و از رتبه شاخص‌های فرعی در هر کشور میانگین ساده گرفته و رتبه کلی کشورها به عنوان شاخصی از مقررات کسب و کار لحاظ شده است. سایر متغیرهای مستقل مدل شامل لگاریتم GDP سرانه، تحصیلات، نسبت مخارج دولت به GDP، متغیر مجازی منطقه، شاخص ICRG هستند. شاخص ICRG در مدل رشد بی معنی و شاخص مقررات معنی دار است. نتیجه حاکی از این است که مقررات بهتر، رشد سریع تر را به دنبال دارد طوری که با تقسیم کشورها به ۴ گروه مشاهده می شود که نرخ رشد سالانه یک چهارم کشورها با بهترین مقررات کسب و کار، ۲/۳ در صد بیشتر از یک چهارم پایین ترین است.

۲.۵. مطالعات خارجی کشوری

شاخص فضای کسب و کار در این مطالعات با توجه به شرایط و ویژگی های منطقه یا کشور مورد بررسی یا سیاست گذاری های خاص منطقه با هدف بهبود فضای کسب و کار تدوین شده اند. ویژگی های بومی در انتخاب عوامل تشکیل دهنده شاخص یا درجه اهمیت عوامل لحاظ گردیده اند. در مطالعه یاروسی (۲۰۰۹) که با هدف رتبه بندی ایالات هند انجام شده، تمرکز شاخص بر مهم ترین موانع سرمایه گذاری و رشد در این کشور یعنی زیرساخت های فیزیکی و نهادهای دولتی است که بیشترین تفاوت را در میان ایالات هند ایجاد می کند. در گزارش داریا و لاک (۱۹۹۹) در ارتباط با محیط کسب و کار در

کشوری توسعه یافته چون ایالات متحده عوامل شاخص‌های فضای کسب و کار عمدتاً معطوف به مالیات‌ها و سیاست‌های نیروی کار هستند که بیشترین هزینه را برای فعالان اقتصادی در این کشور ایجاد می‌کنند. این گزارش در سطح کلان، به ارزیابی رتبه‌بندی‌های فضای کسب و کار ایالات در امریکا که به صورت سالانه توسط چندین مؤسسه ارائه می‌شود پرداخته و نتیجه ارزیابی کلی نگرشی شاخص‌ها و لزوم توجه به ویژگی‌های بخشی و منطقه‌ای (در درون ایالات) است. در مطالعه بلوم (۲۰۰۶) در آلمان شرقی با توجه به سیاست‌های اتخاذ شده برای بهبود فضای کسب و کار در دوره گذار به سمت اقتصاد بازار، عمدتاً عوامل مدیریتی به‌ویژه مدیریت و سازماندهی در ایجاد فضای همکاری و نوآوری در میان کسب و کارها مورد توجه قرار گرفته‌اند.

۳.۵. مطالعات داخلی

شریف آزاده و حسین زاده (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران از شاخص‌های امنیت اقتصادی» به بررسی رابطه سرمایه‌گذاری خصوصی با متغیرهای نهادی و ریسک سیاسی طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۵۸ پرداخته‌اند. متغیر وابسته نسبت سرمایه‌گذاری خصوصی به GDP و متغیرهای مستقل مدل، نرخ ارز بازار آزاد، لگاریتم سرمایه‌گذاری دولتی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نرخ تورم و ۱۰ عامل از عوامل تشکیل دهنده شاخص ریسک سیاسی ICRG هستند که این عوامل ابتدا به صورت جداگانه و سپس حاصل جمع آنها به عنوان متغیر امنیت اقتصادی وارد مدل شده‌اند. نتیجه حاکی از تأثیر مثبت و معنادار شاخص ترکیبی و پنج عامل تشکیل دهنده آن بر نسبت سرمایه‌گذاری خصوصی به GDP است، اما پنج عامل دیگر ارتباط معناداری با نسبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به GDP نشان نمی‌دهند. رهبر و دیگران (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «موانع سرمایه‌گذاری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی ایران» با وارد کردن متغیر امنیت سرمایه‌گذاری در کنار نیروی کار و موجودی سرمایه در مدل رشد برای سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۶۳ به روش حداقل مربعات معمولی تأثیر مثبت شاخصی از امنیت سرمایه‌گذاری را بر رشد اقتصادی ایران نشان داده‌اند. بدین منظور ۱۰ عامل از مجموعه ۱۲ عامل تشکیل دهنده شاخص ریسک سیاسی ICRG (عوامل مورد استفاده در مطالعه بالا) با

استفاده از نظرات نخبگان اقتصادی و صاحبان صنایع ایران وزن دهی و تجمیع شده است. به نظر می‌رسد وزن‌دهی عوامل با استفاده از نظرات کارشناسان داخلی تلاشی در جهت تطبیق شاخص مورد استفاده در مطالعه با شرایط خاص کشور بوده است. ضریب همبستگی شاخص امنیت سرمایه‌گذاری در این مطالعه و امنیت اقتصادی در مطالعه شریف آزاده و حسین زاده ۹۸/۵ درصد است که حاکی از این است که وزن‌دهی بر اساس نظرات کارشناسان داخلی تفاوت چشمگیری در روند تغییرات شاخص ایجاد نمی‌کند. کشش شاخص امنیت سرمایه‌گذاری (که در مقیاس صفر تا ده اندازه‌گیری شده) ۰/۱۴ برآورد شده است. تک روستا و دیگران (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «تخمین رابطه انتشار سهام و عوامل نهادی با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به روش تجزیه واریانس» به بررسی تأثیر انتشار سهام و عوامل نهادی (نظیر عدم امنیت حقوق مالکیت، تعدد قوانین و مقررات و...) پرداخته‌اند. نتیجه حاکی از تأثیر منفی عوامل نهادی بر سرمایه‌گذاری خصوصی است. شاخص‌های مربوط به عوامل نهادی مواردی از قبیل ارزش چک‌های برگشتی و سفته‌های واخواست شده، ارزش اموال مصادره شده بخش خصوصی توسط دولت، قتل و سرقت، استخراج شده از سالنامه‌های آماری کشور و شاخص ریسک استخراج شده از شاخص‌های توسعه انسانی بوده که به منظور ایجاد همگنی و قابلیت جمع‌پذیری مقادیر آنها به ارزش ریالی تبدیل شده و متغیر عوامل نهادی از جمع این مقادیر ریالی به دست آمده است. اگر چه در این مطالعه سعی بر تکیه بیشتر بر منابع آماری داخلی در خصوص عوامل نهادی است، اما این پرسش مطرح می‌شود که آیا شاخص‌های منتخب نماینده خوبی از موانع نهادی پیش روی سرمایه‌گذاران هستند یا نبود شاخص‌های مناسب در ارتباط با عوامل نهادی مؤثر بر سرمایه‌گذاری و تولید در کشور امکان مطالعه در خصوص عوامل نهادی و فضای کسب و کار را از محقق سلب می‌کند.

۶. شاخص بومی فضای کسب و کار

در این مقاله تلاش می‌شود تا شاخصی بومی از فضای کسب و کار ایران در سطح کلان که نمایانگر تحولات فضای کسب و کار و نیز موانع و مشکلات از دید بخش خصوصی

در دوره مطالعه ۱۳۸۶-۱۳۵۲ است، تدوین و ارائه شود. البته ساخت شاخصی مطلوب و جامع با محدودیت‌هایی روبه‌روست که در چهار مرحله تدوین شاخص به آنها پرداخته خواهد شد.

۱.۶. ساخت شاخص

مرحله اول: انتخاب عوامل تشکیل دهنده فضای کسب و کار و دسته‌بندی آنها
در این مطالعه، به دلیل محدودیت دسترسی به اطلاعات مربوط به عوامل سیاسی و اجتماعی بر عوامل اقتصادی متمرکز می‌شویم و آنها را در مهم‌ترین حوزه‌های کسب و کار دسته‌بندی می‌کنیم. انتخاب عوامل نیز با توجه به عوامل لحاظ شده در شاخص‌های جهانی و تطبیق با شرایط داخلی کشور انجام می‌شود. زیر گروه‌ها و عوامل تشکیل دهنده آنها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. شاخص‌های فرعی و عوامل تشکیل دهنده فضای کسب و کار در ایران

شاخص فرعی	عامل	توجیه	علامت	آمار*
۱. ساختار اقتصادی و دولت	۱. سهم مخارج دولت از GDP	افزایش تقاضا برای کالاهای و خدمات بخش خصوصی (با توجه به وابستگی زیاد مخارج دولت به درآمد نفتی به جای مالیات)	مثبت	✓
۲. نسبت سرمایه‌گذاری دولت به GDP	۲. نسبت سرمایه‌گذاری دولت به GDP	عرضه کالاهای عمومی و زیرساخت‌های اقتصادی موجب افزایش تولید و بهره‌وری بخش خصوصی می‌شود	مثبت	✓
۳. درآمدهای نفتی کشور	۳. درآمدهای نفتی کشور	دسترسی به ارز مورد نیاز برای خرید مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای مورد نیاز تولید	مثبت	✓
۴. رشد تولید ناخالص داخلی واقعی	۴. رشد تولید ناخالص داخلی	رشد بازار داخلی	مثبت	✓

ادامه جدول ۲

✓	منفی	نا اطمینانی و بی ثباتی در محیط اقتصاد کلان	۵. نرخ تورم و نوسانات آن	
✓	منفی	نا اطمینانی و بی ثباتی در محیط اقتصاد کلان	۶. حاشیه نرخ ارز	
✓	مثبت	گسترش کسب و کارهای خصوصی و رفع نیازهای تولید	۷. سهم بخش خدمات از GDP	
✓	مثبت	رشد بازرگانی داخلی (حلقه اتصال تولید به مصرف)	۸. سود بخش بازرگانی (تفاوت شاخص عمده فروشی و خرده فروشی)	
✓	مثبت	گسترده‌گی بازار سرمایه	۹. مشارکت در بورس اوراق بهادار (ارزش معاملات بازار سهام نسبت به GDP)	۲. پول و اعتبار
✓	منفی	هزینه تأمین اعتبار از نظام بانکی	۱۰. متوسط نرخ سود واقعی اعتبارات بانکی	
✓	مثبت	سهم اعتبارات بانک‌ها در سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	۱۱. حجم مانده اعتبارات بانک‌ها به بخش خصوصی نسبت به سرمایه‌گذاری خصوصی	
✓	مثبت	اعتبارات هدایت شده به سمت تولید	۱۲. سهم تعیین شده از اعتبارات بانکی برای بخش‌های تولیدی	
✓	مثبت	دسترسی به اعتبارات بانکی (رشد)	۱۳. نرخ رشد مانده اعتبارات بانکی به بخش خصوصی	
✓	مثبت	دسترسی به اعتبارات بانکی (نسبت به مقیاس اقتصاد)	۱۴. حجم کل مانده اعتبارات بانکی به GDP	
	منفی	کاهش دسترسی بخش خصوصی به اعتبارات بانکی	۱۵. کسری بودجه دولت و سهم بانک‌ها در تأمین آن	

ادامه جدول ۲

✓	مثبت	رشد بازار و افزایش رقابت	۱۶. درجه باز بودن اقتصاد (مجموع صادرات و واردات نسبت به GDP)	۳. تجارت خارجی
✓	مثبت	افزایش ظرفیت تولیدی	۱۷. سهم کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای از کل واردات کشور	
✓	مثبت	افزایش موجودی سرمایه داخلی و توان تولید	۱۸. میزان سرمایه‌گذاری خارجی در کشور	
✓	منفی	عمدتاً محدودیت و هزینه واردات مواد اولیه و واسطه‌ای	۱۹. متوسط نرخ تعرفه‌ها (متوسط درآمدهای گمرکی به کل ارزش واردات تجاری)	
	منفی	زیان تولید داخلی	۲۰. میزان ورود قاچاق کالا به کشور نسبت به GDP	
✓	منفی	هزینه واقعی مالیات مصوب	۲۱. نرخ مالیات مؤثر شرکت‌ها و مشاغل نسبت به نرخ متوسط مالیات کشور	۴. مالیات
✓	منفی	عمدتاً سهم کسب و کارهای خصوصی از مالیات	۲۲. سهم مالیات دریافتی از شرکت‌ها و مشاغل از کل مالیات جمع آوری شده	
✓	منفی	کاهش سود فعالیت‌های بخش خصوصی	۲۳. نسبت مالیات جمع آوری شده از GDP	
	منفی	هزینه‌های ناشی از موانع اداری	۲۴. شرایط تشخیص و سهولت پرداخت مالیات (کیفی)	

ادامه جدول ۲

✓	منفی	هزینه دستمزدی نیروی کار	۲۵. نرخ افزایش دستمزدها نسبت به تورم	۵. نیروی کار
	منفی	مجموعه هزینه‌های دستمزدی و غیر دستمزدی	۲۶. سهم هزینه‌های نیروی کار از هزینه تولید	
	منفی	هزینه تأمین اجتماعی	۲۷. سهم هزینه کارفرما از هزینه تأمین اجتماعی	
	منفی	هزینه‌های ناشی از موانع قانونی	۲۸. قوانین کار، مشکل بودن کاهش تعداد کارگران (کیفی)	
	منفی	هزینه و اتلاف زمان	۲۹. موانع شروع کسب و کار (کیفی)	۶. قوانین و مقررات کسب و کار
	منفی	هزینه و اتلاف زمان	۳۰. موانع انحلال و خروج از کسب و کار (کیفی)	
	منفی	نا اطمینانی در محیط اقتصاد کلان	۳۱. نا اطمینانی نسبت به تغییر پذیری سیاست‌ها و قوانین (کیفی)	

*دسترسی به آمار و اطلاعات در دوره مورد بررسی (۱۳۸۶-۱۳۵۲)

مرحله دوم: گردآوری اطلاعات

شاخص فضای کسب و کار در این مقاله در سطح کلان تشکیل می‌شود و در ارتباط با بسیاری از عوامل مؤثر بر فضای کسب و کار نهادهایی چون مرکز آمار ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آمارهای اقتصادی را گردآوری و منتشر می‌کنند، اما در ارتباط با برخی کیفیت‌ها، شاخص مناسبی که تغییر و تحولات چنین جنبه‌هایی از فضای کسب و کار را طی زمان نشان دهد در دسترس نیست. به طور مثال، حجم مانده اعتبارات اختصاص یافته به بخش خصوصی به تفکیک بخش‌ها گزارش می‌شود، ولی نه تنها حجم اعتبارات اختصاص یافته منتشر نمی‌شود، بلکه هیچ شاخصی برای اندازه‌گیری فرایند طولانی و دشوار اخذ اعتبار محاسبه و گزارش نمی‌شود. در رابطه با محدودیت‌های اندازه‌گیری عوامل کیفی در مرحله بعد بیشتر بحث خواهد شد.

مرحله سوم: امتیازدهی عوامل تشکیل دهنده فضای کسب و کار

امتیازدهی عوامل کمی: معمولاً در ساخت شاخص ترکیبی فضای کسب و کار مقدار هر یک از عوامل را نرمال کرده یا حد بالا و پایین برای هر یک از آنها تعیین می‌شود. به طور مثال، مقدار عامل یا شاخص فرعی عددی بین صفر تا ۱۰ است که عدد صفر بدترین حالت و عدد ۱۰ بهترین حالت و نشان دهنده مناسب‌ترین وضعیت عامل مورد بررسی در فضای کسب و کار است. این کار افزون بر آسان‌تر کردن مقایسه بین وضعیت جنبه‌های مختلف فضای کسب و کار، با رها شدن عوامل از قید واحد اندازه‌گیری، با ایجاد قابلیت جمع‌پذیری آنها در صورت نیاز، به ترکیب و ایجاد شاخص کلی منجر می‌شود.

در صورتی که حدود بالا و پایین با توجه به واقعیات مشاهده شده در دوره زمانی مورد مطالعه تعیین شود، چنانچه در سال‌های آینده مقدار کمتر و بیشتری برای عوامل نسبت به حدود قبلی مشاهده شود، تمام مقادیر عوامل کمی باید مجدداً اصلاح شود. مشکل دیگر در ارتباط با استفاده از این روش این است که حد مطلوب یا نامطلوب عامل را وضع موجود تعیین می‌کند. اگر فرض شود طی سال‌های مورد بررسی نرخ تورم هیچ‌گاه کمتر از ۱۵٪ نبوده، این نرخ بهترین امتیاز عامل تورم را رقم خواهد زد، در حالی که حد بهینه تورم در اقتصاد ممکن است ۲ تا ۳ درصد باشد. برای رفع این مشکل می‌توان حدود را خارج از مشاهدات و با تکیه بر مباحث نظری یا با توجه به استانداردهای پذیرفته شده برای همگان و یا اجماع نظر کارشناسی تعیین کرد. به طور مثال بر اساس مباحث نظری نرخ بیکاری در حدود ۴ یا ۵ درصد مطلوب تلقی می‌شود، یا اگر عامل مورد نظر حد مطلوب تئوریک ندارد (به طور مثال بیشترین مقدار صادرات یا ورود سرمایه خارجی به یک کشور)، برای مشخص کردن سقف عامل مورد نظر از اجماع کارشناسی بهره گرفته و مقداری با توجه به شرایط کشور به عنوان مطلوب‌ترین حد ممکن می‌تواند انتخاب شود. البته در به کارگیری این روش تا حدودی ناگزیر به اتکا به قضاوت‌های شخصی هستیم. بنابراین دقت زیادی در تعیین گروه کارشناسی لازم است.

در این مقاله، به محاسبه عوامل کمی پرداخته می‌شود که آمارهای مربوط به آنها در دوره مورد بررسی در دسترس هستند. برای محاسبه عوامل کمی ابتدا مقادیر همه عوامل را

استاندارد کرده و عواملی که افزایش آنها به بدتر شدن فضای کسب و کار منجر می‌شود در یک منفی ضرب می‌شوند. بدین ترتیب سه انحراف معیار بیشتر از متوسط بهترین حالت و سه انحراف معیار کمتر از متوسط بدترین وضعیت عامل مورد بررسی را نشان می‌دهد (مقادیر بیش از سه انحراف معیار داده پرت محسوب می‌شوند). سپس با یک تبدیل خطی مقادیر استاندارد شده بین صفر و ۱۰۰ قرار می‌گیرند.

امتیازدهی عوامل کیفی: امروزه اندازه‌گیری و جمع‌آوری آمار و اطلاعات مربوط به عملکرد اقتصادی، مانند مصرف، سرمایه‌گذاری و تولید ملی در همه کشورهای متداول است، اما اندازه‌گیری کیفیت نهادی و ساختاری که منجر به شکل‌گیری این آمارها می‌شوند، هنوز مرحله ابتدایی خود را می‌گذراند. نرخ تورم بالا به همراه نوسان زیاد نشان دهنده ضعف عملکرد مجموعه نهادی در یک کشور است. با این حال برخی از هزینه‌هایی که از جانب فضای کسب و کار نامساعد بر فعالان اقتصادی تحمیل می‌شود، در آمارهای عینی مانند تورم قابل انعکاس نیستند. پرسش مهمی که مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان برای این کیفیت‌ها شاخص تعیین کرد؟ در این خصوص دو گزینه قابل طرح است:

۱. نسبت دادن کمیت‌هایی به قضاوت‌های کیفی افراد صاحب نظر بر اساس ذهنیات و

برداشت‌های آنان؛

۲. یافتن معیارها و ملاک‌های کمی که تا حدود زیادی منعکس‌کننده تغییر کیفیت‌های مورد نظر باشد.

شاخص‌های جهانی اندازه‌گیری فضای کسب و کار در خصوص عوامل کیفی عموماً از روش اول استفاده می‌کنند. در قسمت‌های قبلی به معایب استفاده از این روش مانند تأثیرپذیری امتیازات از مسائل سیاسی و قضاوت‌های شخصی غیرمنصفانه، چگونگی طراحی پرسش‌ها، نحوه و زمان پرسش و نظایر آن اشاره شد. قضاوت‌های شخصی ممکن است با وجود تغییراتی که در فضای کسب و کار رخ می‌دهد، برای مدت طولانی خوش‌بینانه یا بدبینانه باقی بماند. استفاده از این روش علاوه بر امکان مخدوش بودن نتایج به‌دست آمده، زمانبر، پرهزینه و در عین حال روشی ساده‌انگارانه در خصوص اندازه‌گیری کیفیت است. اگرچه ادراک و ذهنیت فعالان اقتصادی در تصمیم‌گیری آنها برای

سرمایه‌گذاری و گسترش کسب و کار مؤثر است، اما به منظور سیاست‌گذاری و اصلاح موانع کسب و کار باید بدانیم چه عوامل و پارامترهایی ذهنیت آنان را شکل می‌دهد و در جهت تغییر این پارامترها تلاش کنیم.

گروه کسب و کار بانک جهانی یکی از جدیدترین شاخص‌های فضای کسب و کار را با هدف اصلاح قوانین و موانع اداری کسب و کار و با استفاده از روش دوم، یعنی تعریف معیارهای کمی و قابل محاسبه برای اندازه‌گیری کیفیت طراحی کرده‌اند. در شاخص شروع کسب و کار چهار عامل «تعداد مراحل»، «زمان»، «هزینه» و «حداقل سرمایه» تعریف می‌شوند که همگی به صورت کمی قابل محاسبه هستند. البته برای یافتن شاخص‌های مناسب اندازه‌گیری موانع قانونی از شروع تا پایان کسب و کار از نظرات مجموعه گسترده‌ای از کارشناسان استفاده شده و فروض متعددی برای اندازه‌گیری هر عامل تعیین شده است (بانک جهانی ۲۰۰۴، ص ۵۵-۴۹). به عنوان مثال‌های دیگر، در مورد اندازه‌گیری کیفیت بروکراسی، کارایی گمرک، دسترسی به اعتبار، نااطمینانی نسبت به تغییر قوانین معیارهایی را به صورت زیر می‌توان تعریف کرد:

- کیفیت بروکراسی: تعداد روزهای صرف شده جهت استعلام و تعیین و پرداخت

مالیات، اخذ انواع مجوزها و... تقسیم بر تعداد روزهای سال؛

- کارایی گمرک: تعداد روزهایی که در گمرک برای صادرات یا واردات یک کالا

صرف می‌شود؛

- دسترسی به اعتبار: درصدی از بنگاه‌ها (در نمونه مورد بررسی) که از اعتبارات بانکی

استفاده کرده‌اند؛

- نااطمینانی نسبت به تغییر قوانین: تعداد مصوبه‌های مرتبط با کسب و کار قوه مقننه در

ارتباط با اصلاح قوانین گذشته و تصویب قوانین جدید.

البته یافتن ملاک مناسب کار چندان ساده‌ای نیست و به دقت و بررسی نیاز دارد. در

مطالعه حاضر تلاش بر این است که کیفیت‌ها در قالب عوامل کمی بررسی شوند و

شاخص‌های کیفی در حداقل باشند، چرا که اطلاعات مورد نیاز برای اندازه‌گیری عوامل

کیفی در زمان‌های گذشته از دست رفته‌اند و تنها به موارد ثبت شده و اسناد مکتوب مانند قوانین و مقررات مرتبط با کسب و کار می‌توان رجوع کرد.

مرحله چهارم وزن‌دهی و تجمیع

به‌طور کلی روش‌های تجمیع جهت ساخت شاخص‌های ترکیبی در مطالعات اقتصادی در سه گروه زیر قرار می‌گیرند:

الف. تجمیع عوامل با وزن‌های مساوی.

ب. وزن‌دهی بر مبنای قضاوت کارشناسی: استفاده از انواع روش‌های متداول ساده و علمی همچون تحلیل سلسله مراتبی (AHP) و دلفی که مبنای آنها اجماع نظر یک گروه کارشناسی در ارتباط با عوامل مؤثر در مسئله مورد بررسی و ضریب اهمیت هر یک از عوامل است و عموماً در تحلیل‌های تصمیم‌گیری (اولویت‌گذاری و رتبه‌بندی، انتخاب از میان چند گزینه، تخصیص منابع و ...) کاربرد دارند.

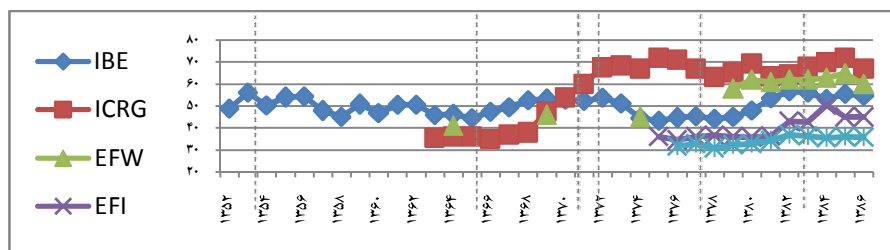
ج. وزن‌دهی بر مبنای روش‌های آماری: شامل روش‌های اقتصادسنجی، تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA) و نظایر آن است که یکی از کاربردهای این گونه روش‌ها در اقتصاد، ساخت شاخص‌های ترکیبی پیشرو و بررسی اثرات آنها بر ادوار تجاری است. از آنجایی که متغیرهای پیشرو غالباً هم حرکت^۱ هستند می‌توان از روش‌های تحلیل عاملی یا تحلیل مؤلفه‌های اصلی که ترتیب اهمیت عوامل را بر اساس واریانس عامل مشخص می‌کنند به منظور تلخیص مجموعه داده‌ها استفاده کرد.

انتخاب روش وزن‌دهی و تجمیع باید متناسب با ماهیت مسئله صورت گیرد. در مطالعه حاضر می‌خواهیم مجموعه عوامل محیطی و نهادی حاکم بر کسب و کارهای کشور را در یک متغیر خلاصه و از آن به عنوان شاخصی از تحولات فضای کسب و کار طی دوره مورد بررسی استفاده کنیم. در ارتباط با ساخت شاخص فضای کسب و کار ایران امکان اینکه ضرایب را به‌طور تجربی و از رابطه اقتصادسنجی به‌دست آوریم وجود ندارد و چون عوامل مورد بررسی در شاخص هم حرکت نیستند، استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی نیز

1. Co Movement

مناسب به نظر نمی‌رسد و با استفاده از این روش ضرایب برخی متغیرها با وجود تأثیر مثبت آنها بر فضای کسب و کار منفی به دست می‌آید. علاوه بر اینکه رسیدن به اجماع نظر کارشناسی در خصوص ضرایب با توجه به مشکل بودن اظهار نظر در همه حوزه‌ها و در مورد همه عوامل بعید به نظر می‌رسد، از خطاهای اظهار نظر شخصی نیز به دور نخواهیم بود. لذا همانند اغلب شاخص‌های جهانی عوامل تشکیل دهنده فضای کسب و کار با وزن مساوی تجمیع شده‌اند. روند شاخص بومی فضای کسب و کار در مقایسه با شاخص‌های جهانی محاسبه شده برای ایران و مقادیر آن در نمودار ۱ و جدول ۳ قابل ملاحظه است.

نمودار ۱. مقایسه شاخص بومی فضای کسب و کار با شاخص‌های جهانی



*IBE: شاخص بومی فضای کسب و کار ایران، نتایج تحقیق

ملاحظه می‌شود که تمامی شاخص‌ها بهبود فضای کسب و کار ایران نسبت به سال‌های گذشته را نشان می‌دهند. اگر چه تا رسیدن به نقطه مطلوب راه زیادی باقی است چرا که هنوز موانع و مشکلات زیادی بر سر راه سرمایه‌گذاری و تولید وجود دارد که رفع آنها می‌تواند به بهتر شدن محیط کسب و کار منجر شود. روند متفاوت شاخص‌ها ناشی از ماهیت متفاوت آنهاست. مشاهده می‌شود با پایان دوره جنگ تحمیلی شاخص بومی، ICRG و EFW بهبود فضای کسب و کار ایران را نشان می‌دهند. در دوره برنامه اول (۷۲-۱۳۶۸) شاخص ICRG رشد فراوانی را نشان می‌دهد، اما شاخص بومی بهبود اندکی دارد و EFW تقریباً ثابت است. در دوره برنامه دوم (۷۸-۱۳۷۴) امتیاز ICRG کاهش، EFW افزایش و شاخص بومی، EIU و EFI تغییر چندانی بین ابتدا و انتهای دوره

نشان نمی‌دهند. روند تمامی شاخص‌ها در سال‌های متناظر با برنامه سوم (۸۳-۱۳۷۹) صعودی و در سال‌های شروع برنامه چهارم (۸۶-۱۳۸۴) رو به کاهش یا ثابت است.

جدول ۳. امتیازات شاخص بومی فضای کسب و کار در دوره ۱۳۸۶-۱۳۵۲

سال	امتیاز	سال	امتیاز	سال	امتیاز	سال	امتیاز
۱۳۵۲	۴۹.۰۴	۱۳۶۱	۵۰.۶۷	۱۳۷۰	۵۳.۰۹	۱۳۷۹	۴۵.۲۲
۱۳۵۳	۵۶.۳۰	۱۳۶۲	۵۰.۷۱	۱۳۷۱	۵۲.۳۹	۱۳۸۰	۴۸.۱۵
۱۳۵۴	۵۰.۳۱	۱۳۶۳	۴۶.۱۱	۱۳۷۲	۵۳.۷۸	۱۳۸۱	۵۳.۴۸
۱۳۵۵	۵۴.۰۱	۱۳۶۴	۴۶.۱۵	۱۳۷۳	۵۱.۲۹	۱۳۸۲	۵۶.۷۵
۱۳۵۶	۵۴.۴۷	۱۳۶۵	۴۴.۵۶	۱۳۷۴	۴۴.۵۷	۱۳۸۳	۵۶.۱۰
۱۳۵۷	۴۷.۸۹	۱۳۶۶	۴۷.۳۶	۱۳۷۵	۴۳.۳۴	۱۳۸۴	۵۳.۲۳
۱۳۵۸	۴۵.۰۵	۱۳۶۷	۴۹.۶۳	۱۳۷۶	۴۴.۷۰	۱۳۸۵	۵۵.۷۵
۱۳۵۹	۵۰.۸۴	۱۳۶۸	۵۲.۸۰	۱۳۷۷	۴۵.۳۲	۱۳۸۶	۵۴.۶۷
۱۳۶۰	۴۶.۸۸	۱۳۶۹	۵۳.۱۵	۱۳۷۸	۴۴.۲۶		

۲.۶. تحلیل نمودار شاخص بومی

سال‌های پس از شوک نفتی اول (۵۶-۱۳۵۲): میانگین امتیاز شاخص فضای کسب و کار در این سال‌ها معادل ۵۲.۸ و جهت روند تغییرات نشان دهنده بهبود شرایط کسب و کار است. در این دوره با افزایش درآمدهای نفتی، مخارج دولت و سرمایه‌گذاری‌های دولتی نسبت به مقیاس اقتصاد افزایش می‌یابد. شاخص درجه باز بودن اقتصاد در این دوره دارای امتیاز بالایی است، چرا که علاوه بر افزایش صادرات نفتی، واردات نیز بسیار افزایش می‌یابد. با این حال، با افزایش درآمدهای نفتی در طول دوره به تدریج سهم واردات واسطه‌ای و سرمایه‌ای کاهش و نسبت واردات مصرفی افزایش یافته است. از سوی دیگر تزریق بی‌رویه درآمدهای نفتی و افزایش تقاضای کل سبب افزایش روند نرخ تورم گردید. در حوزه اعتبارات نیز با وجود بالا بودن رشد اعتبارات خصوصی و افزایش تدریجی سهم بخش‌های تولیدی از اعتبارات، نسبت اعتبارات بخش خصوصی به GDP و

سهم تأمین اعتبار در سرمایه‌گذاری خصوصی پایین است. در این دوره بخش خدمات نرخ رشد سریع‌تری را نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی دارد. نرخ رشد تولید در سال ۵۴ کاهش و شاخص‌های مالیات از این سال به بعد وضعیت نامطلوبی را نشان می‌دهند. شاخص دستمزد واقعی نیز نشان دهنده وضعیت مطلوبی است. بنابراین اگرچه روند کلی شاخص فضای کسب و کار در این دوران رو به بهبود است ولی آثار منفی شوک نفتی به تدریج ظاهر شده است.

دوره انقلاب و جنگ (۶۷-۱۳۵۷): میانگین امتیاز شاخص فضای کسب و کار در این سال‌ها معادل ۴۷.۸ و روند تغییرات شرایط کسب و کار نوسانات متعددی دارد. مقدار شاخص از حدود ۴۸ در ابتدای دوره به ۴۹.۶ در انتهای دوره افزایش یافته است. در این دوران حجم دولت گسترش می‌یابد و بحران و نااطمینانی موجب کاهش فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. به علاوه بسته بودن اقتصاد، کاهش سهم واردات واسطه‌ای و سرمایه‌ای، کاهش اعتبارات، به ویژه اعتبارات تولیدی و افزایش دستمزدهای تولیدی نیز از جمله عوامل کاهش تولید در این دوره محسوب می‌شود. نرخ تورم در این دوره نسبتاً پایین، اما پس از شوک نفتی سال ۶۵ افزایش یافته و نرخ رشد تولید نیز کاهش می‌یابد. رشد خدمات نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی (به ویژه آموزش و پرورش، بهداشت و بازرگانی داخلی) بالاست.

سال‌های متناظر با برنامه اول توسعه (۷۳-۱۳۶۸): ویژگی این دوره انجام بازسازی‌های بعد از اتمام جنگ و همچنین اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی است. مقدار شاخص فضای کسب و کار در این دوره از حدود ۵۲.۸ به ۵۳.۷ افزایش یافته که حاکی از بهبود شرایط کسب و کار است. سیاست کاهش اندازه و دخالت دولت در شاخص‌های مخارج دولت به GDP، سرمایه‌گذاری دولتی به GDP و شاخص‌های مالیات قابل مشاهده است. سیاست آزادسازی تجاری، کاهش نرخ‌های تعرفه و محدودیت‌های مقداری در واردات، موجب افزایش واردات شده و سهم واردات واسطه‌ای و سرمایه‌ای از کل واردات در این دوره به بیشترین حد خود رسیده است. بهبود شاخص‌های اعتبارات به دلیل سیاست پولی انبساطی و افزایش تسهیلات قابل مشاهده است و اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی در

این دوره به سمت تولید هدایت شده‌اند. در شروع دوره نرخ تورم پایین و نرخ رشد تولید بالاست که تا انتهای دوره روند این دو شاخص معکوس می‌شود. اجرای سیاست نظام ارزی شناور در سال ۷۲ موجب نوسانات و افزایش حاشیه نرخ ارز می‌شود.

سال‌های متناظر با برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴): این دوره با توجه به نمودار و میانگین امتیاز آن، نامطلوب‌ترین دوران شرایط و فضای کسب و کار ایران است. روند تغییرات شاخص تقریباً ثابت است، طوری که مقدار شاخص از حدود ۴۴.۵ به سطح ۴۴.۲ کاهش می‌یابد. نتایج اجرای سیاست‌های انبساطی شدید در دوره قبل، شروع نوسانات نرخ ارز از سال ۷۳، افزایش تورم تا رسیدن به بالاترین نرخ در سال ۷۴ و ... موجب اعمال محدودیت‌های مقداری در زمینه صادرات غیر نفتی و واردات و سیاست‌های کنترلی شدید از سال ۷۴ گردید. اعمال سیاست‌های پولی انقباضی، افزایش تعرفه‌ها و در نتیجه کاهش واردات و افزایش نسبی مالیات‌ها، افزایش حاشیه نرخ ارز و نرخ تورم و نوسانات آن، فضای نااطمینانی در سطح اقتصاد کلان را ایجاد می‌کند. دستمزدهای واقعی افزایش می‌یابند و نرخ رشد تولید به طور متوسط از دوره قبل کمتر است.

سال‌های متناظر با برنامه سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹): در این دوره شاهد بهبود محیط کسب و کار نسبت به دوره قبل هستیم، طوری که مقدار شاخص فضای کسب و کار از ۴۵ در یک روند فزاینده به حدود ۵۶ افزایش می‌یابد. این مقدار بالاترین مقدار شاخص در سال‌های پس از انقلاب تاکنون است. برنامه سوم بر مبنای سیاست‌های تعدیل، اما این بار با مطالعه و تجربه سیاست‌های تعدیل در گذشته است. آزادسازی تدریجی تجارت خارجی در شاخص‌های تعرفه و درجه باز بودن قابل مشاهده است. علاوه بر افزایش واردات و به ویژه بالا بودن سهم واردات واسطه‌ای و سرمایه‌ای و افزایش تدریجی این سهم طی دوره، درآمدهای نفتی نیز افزایش می‌یابند. با توجه به اصلاح قانون مالیات در سال ۸۱، شاهد بهبود شاخص‌های مالیات (کاهش مالیات‌ها) در این دوره هستیم. حاشیه نرخ ارز در شروع دوره بالاست، اما سیاست یکسان سازی نرخ ارز در سال ۸۱ با موفقیت اجرا می‌شود. نرخ تورم و نوسانات آن پایین است. رونق بورس در این دوره آغاز می‌شود و افزایش تدریجی نرخ رشد تولید در طی دوره اتفاق می‌افتد.

سال‌های متناظر با برنامه چهارم توسعه (۸۶-۱۳۸۴): ویژگی مهم این دوره افزایش شدید درآمدهای ارزی نفت است. با این حال در این دوره روند فزاینده بهبود شرایط کسب و کار که از سال‌های برنامه سوم شروع شده بود ادامه نیافته و روند شاخص با توجه به افزایش مالیات‌ها و نرخ تورم، کاهشی است طوری که مقدار شاخص در سال ۸۶ معادل ۵۴.۶ محاسبه شده است.

۷. اثر شاخص فضای کسب و کار بر سرمایه‌گذاری خصوصی

مطالعات تجربی در ارتباط با سرمایه‌گذاری خصوصی در کشورهای در حال توسعه با ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت با کشورهای توسعه یافته و وجود مشکلات ساختاری مانند بی‌ثباتی و نااطمینانی سیاسی و اقتصادی، نقش و دخالت زیاد دولت در اقتصاد، عدم وجود بازارهای مالی با کارکرد مناسب و سایر کاستی‌های بازار، در بسیاری موارد بر مبنای نظریه شتاب انعطاف‌پذیر انجام می‌شود. این نظریه مبتنی بر مکانیزم تعدیل جزئی انباشت سرمایه است که وجود وقفه یا تأخیر در تعدیل موجودی سرمایه به سمت موجودی مطلوب را لحاظ می‌کند. وقفه در تعدیل موجودی سرمایه می‌تواند بر مبنای دیدگاه اقتصاد نهاد‌گرای جدید ناشی از محیط نهادی فعالیت‌های اقتصادی کشور باشد که به صورت شاخص فضای کسب و کار در مدل سرمایه‌گذاری لحاظ می‌شود. همچنین تورم به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل ایجادکننده نااطمینانی و بی‌ثباتی در محیط اقتصاد کلان ایران در الگو منظور می‌گردد. بنابراین الگوی سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران به صورت زیر ارائه می‌شود:

$$IP_t : f(GDP_t, IBE_t, P_t)$$

که در آن:

IP_t : سرمایه‌گذاری خصوصی واقعی در زمان t

GDP_t : تولید ناخالص داخلی واقعی (نماینده‌ای از تقاضای کل) در زمان t

IBE_t : شاخصی از فضای کسب و کار در زمان t

P_t : نرخ تورم در زمان t است.

تمامی متغیرهای به کار رفته در الگو براساس آزمون دیکی فولر تعمیم یافته در سطح پایا نبوده و با تفاضل مرتبه اول پایا می‌شوند. نتایج به دست آمده از برآورد الگوی سرمایه گذاری با استفاده از نرم افزار Microfit4.1 و با در نظر گرفتن شاخص بومی فضای کسب و کار ایران (در مقیاس ۰ تا ۱۰۰) عبارت است از:

$$LIP = -3.76 + 0.39 LIP(-1) - 0.51 LIP(-2) + 0.94 LGDP + 0.80 LBe$$

$$(-2.39) (2.61) \quad (-4.26) \quad (6.19) \quad (2.06)$$

$$-0.21LP - 0.15 LP(-1) - 0.21LP(-2)$$

$$(-3.09) \quad (-2.27) \quad (-2.39) \quad (1)$$

$$R^2 = 0.89 \quad \bar{R}^2 = 0.86 \quad DW = 1.75 \quad F = 29.4 \quad n = 33$$

$$LIP = -3.37 + 0.85 LGDP + 0.72 LBe - 0.52 LP$$

$$(-2.41) (9.36) \quad (2.11) \quad (-6.39) \quad (2)$$

$$dLIP = -3.76 + 0.51dLIP1 + 0.94dLGDP + 0.80dLBe - 0.21dLP + 0.21dLP1$$

$$(-2.39) (4.27) \quad (6.19) \quad (2.07) \quad (-3.10) \quad (2.93) \quad (3)$$

$$-1.11ecm$$

$$(-7.6)$$

همان طور که مشاهده می‌شود در برآورد رابطه کوتاه مدت (رابطه ۱) تمامی متغیرها معنی دار هستند و ضرایب مطابق با مبانی نظری است. علامت مقدار R^2 گویای آن است که ۸۹ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط الگوی برازش شده قابل شرح است. از آنجا که کمیت بحرانی ارائه شده توسط بنرجی، دولادو و مستر ۳/۸۲- و قدر مطلق آماره محاسبه شده (۴/۲-) از کمیت بحرانی بزرگ‌تر است، لذا فرضیه عدم وجود هم جمعیتی بین متغیرهای مستقل و وابسته تأیید نمی‌شود و در نتیجه رابطه بلندمدت بین متغیرها وجود دارد. در رابطه بلند مدت نیز (رابطه ۲) تمامی متغیرها معنی دار هستند و علامت ضرایب مطابق با مبانی نظری است. ضریب شاخص به این مفهوم است که یک درصد افزایش در شاخص

فضای کسب و کار به‌طور متوسط و با فرض ثابت بودن سایر شرایط موجب افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران به میزان ۰/۷۲ درصد می‌شود. بنابراین بهبود محیط کسب و کار منجر به افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران می‌گردد. یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی با فرض ثابت بودن سایر شرایط به‌طور متوسط سرمایه‌گذاری خصوصی را ۰/۸۵ افزایش می‌دهد و یک درصد افزایش در نرخ تورم با فرض موجب کاهش ۵۲ درصدی سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران می‌شود. تمامی ضرایب الگوی تصحیح خطا (رابطه ۳) معنی دار هستند و ضریب جمله تصحیح خطا نیز از نظر علامت منفی است. این ضریب ۱/۱- برآورد شده است. که نشان‌دهنده حرکت نوسانی میرا به سمت تعادل بلندمدت است.

۸. نتایج تحقیق، محدودیت‌ها و پیشنهادها

منظور نکردن شاخص‌هایی از محیط ساختاری و نهادی اقتصاد ایران در الگوها می‌تواند اریب ضرایب و نتایج مخدوش مدل‌های سرمایه‌گذاری و رشد را در پی داشته باشد. در این مطالعه تلاش شد تا شاخصی از فضای کسب و کار ایران ارائه و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری خصوصی بررسی شود. شاخص تدوین شده از فضای کسب و کار تأثیر مثبت و معنی داری بر سرمایه‌گذاری خصوصی دارد، به‌طوری که یک درصد افزایش در شاخص فضای کسب و کار به‌طور متوسط و با فرض ثابت بودن سایر شرایط موجب افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران به میزان ۰/۷۲ درصد می‌شود. بنابراین بهبود محیط کسب و کار منجر به افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران می‌گردد. یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی با فرض ثابت بودن سایر شرایط به‌طور متوسط سرمایه‌گذاری خصوصی را ۰/۸۵ افزایش می‌دهد و یک درصد افزایش در نرخ تورم با فرض موجب کاهش ۵۲ درصدی سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران می‌شود.

در خصوص برخی عوامل مؤثر بر فضای کسب و کار ایران، شاخص مناسبی در دسترس نیست. در مواردی مانند کیفیت قوانین، کارایی دولت، حقوق مالکیت و کیفیت دستگاه قضایی، کارایی بازارهای مالی و نظایر آن اطلاعاتی گردآوری نمی‌شود تا بر

اساس آنها بتوان شاخص اندازه‌گیری مناسب طراحی نمود و یا آمارهای موجود محدودتر از آنند که تصویر جامعی از این ابعاد ارائه کنند. لذا پیشنهاد می‌شود نهاد یا مرجعی جهت گردآوری اطلاعات و آمار مورد نیاز در این حوزه‌ها و طراحی و ساخت شاخص‌های مناسب از کیفیت نهادها ایجاد شود.

در مطالعه حاضر شاخصی از فضای کسب و کار ایران ارائه و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری خصوصی بررسی شد. بهبود فضای کسب و کار منجر به افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران می‌شود، اما در گام بعدی این پرسش مطرح می‌شود که به منظور بهبود فضای کسب و کار، اصلاحات از کجا باید آغاز شود و اولویت‌های عوامل تشکیل دهنده فضای کسب و کار از نظر فعالان اقتصادی کشور کدامند. پاسخ به این گونه پرسش‌ها مستلزم مطالعات جداگانه‌ای است.

تفاوت‌های موجود میان مناطق، استان‌ها و بخش‌های مختلف کشور در شاخص کلان دیده نمی‌شوند، لذا پیشنهاد می‌شود به منظور سیاست‌گذاری دقیق‌تر شاخص‌های فضای کسب و کار در سطح منطقه‌ای و بخشی نیز محاسبه شوند.

ایران از منظر شاخص‌های جهانی فضای کسب و کار از جایگاه مناسبی در سطح بین‌المللی برخوردار نیست. از آنجا که جهت‌دهی و تأثیر این شاخص‌ها در جذب سرمایه و رشد اقتصادی کشور با توجه به مقبولیت آنها نزد سرمایه‌گذاران و مؤسسات مالی خارجی انکارناپذیر است، پیشنهاد می‌شود اقدامات و سیاست‌های مناسب جهت ارتقای رتبه ایران در شاخص‌های جهانی اتخاذ شود.

۹. منابع

- بانک جهانی، گروه کسب و کار (۱۳۸۷)، سنجش و بهبود محیط کسب و کار، ترجمه احمد میدری و اصلاان قودجانی، جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران.
- تک روستا، علی؛ صمد عزیز نژاد؛ خسرو منطقی (۱۳۷۸)، «تخمین رابطه انتشار سهام و عوامل نهادی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به روش تجزیه واریانس (۸۴-۱۳۵۳)»، پژوهش‌نامه اقتصادی، شماره ۲.

خیرالله، مایلن؛ یوهان جان کیرستن (۱۳۸۷)، «اقتصاد نهادگرای جدید: کاربرد آن در مطالعه سیاست کشاورزی در کشورهای در حال توسعه»، ترجمه عباس رحیمی، مجله تکاپو، بهار و تابستان ۱۳۸۷.

رهبر، فرهاد؛ شاپور محمدی، فرشید مظفری (۱۳۸۶)، «موانع سرمایه‌گذاری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۱

رودریک، دنی (۱۳۸۴)، «موانع نهادی توسعه اقتصادی، ترجمه زهرا کریمی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

ریشتر، ردلف (۱۳۸۷)، «اقتصاد نهادی جدید، آغاز، معنا و دورنما»، ترجمه سید حسین میر جلیلی، مجله اقتصادی، شماره‌های ۷۹ و ۸۰

شریف آزاده، محمدرضا؛ محمدحسین حسین زاده بحرینی (۱۳۸۲)، «تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران از شاخص‌های امنیت اقتصادی»، نامه مفید، شماره ۳۸. شریف آزاده، محمدرضا؛ محمدحسین حسین زاده بحرینی (۱۳۸۳)، «عوامل مؤثر بر امنیت سرمایه‌گذاری در ایران» مجله جستارهای اقتصادی، شماره ۲.

متوسلی، محمود (۱۳۸۴)، توسعه اقتصادی، مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی، دانشگاه تهران.

Aron, Janine (2000) "Growth and Institutions, A Review of the Evidence", The World Bank, *Research Observer*, vol 15, no.1.

Batra, Geeta ; Daniel Kaufmann & Andrew H. W. Stone (2003) *The Firms Speak: What the World Business Environment Survey Tells Us about Constraints on Private Sector Development* ,World Bank.

Blume, Lorenz (2006) "Local Economic Policies As Determinants of the Local Business Climates: Empirical Results from a Cross-section Analysis among East German municipalities" , *Regional Studies*, Vol. 40.4.

Country Forcaste, Iran, 1997-2009, www.eiu.com

Dardia, Michael; Sherman Luk (1999) *Rethinking the California Business Climate*, Public Policy institute of California.

Djankov, Simeon; Caralee McLiesh & Rita Maria Ramalho (2006) *Regulation and Growth*, The World Bank.

- Dollar, David; Mary Hallward-Driemeier & Taye Mengistae (2003) *Investment Climate and Firm Performance in Developing Economies*, World Bank, Development Research Group.
- Gwartney , James D; Robert A. Lawson (2009) *Economic Freedom of the World, 2009 Annual Report* ,www.fraserinstitute.org.
- Gwartney ,James D; Randall G. Holcombe and Robert A. Lawson (2004) “Economic Freedom, Institutional Quality, and Sscro-country Differences in Income and Growth”, *Cato Journal*, Vol. 24, No. 3.
- Hanson, Gustav (2006) *Institutions and their Measures :A Black Box of Goodies*, Goteborg University.
- Heckelman, Jac C; Michael Stroup (2005) “A Comparison of Aggregation Methods for Measures of Economic Freedom”, *Political Economy*, Vol 21.
- “International Country Risk Guide Methodology”, (2009), www.PRSgroup.com.
- Iarossi, Giuseppe ; (2009) ; *The Investment Climate in 16 Indian States* , working paper, World Bank.
- Knack, Stephen ; Philip Keefer (1995) “Institution and Economic Performance, Cross Country Tests Using Alternative Measures”, *Economics and Politics*, Volume 7, Issue 3.
- “Methodology for the 10 Economic Freedom”,(2009) ,www.Heritage.org
- Phillips, Lauren M (2006) *Growth and the Investment Climate, Progress and Challenges for Asian Economics* ,www.asia2015conference.org.
- Williams,Andrew; Abu Siddique (2008) “The Use (and Abuse) of Governance Indicators in Economics: A Review”, *Economics of Governance*, Volume 9.
- World Bank; (2005), “ *A Better Investment Climate for Everyone*”.
- www.doingbusiness.org, 2009
- www.eiu.com
- www.freetheworld.com , Iran, 2009
- www.Heritage.org
- www.PRSgroup.com